

در مقابل چشمان متحیر جهانیان مدافعان سرمایه داری که دهه ها گوش جهان را از شعار « حداقل دولت و حداکثر پرکرده بودند اینک فریاد برمی آورند که دولت باید به نجات بازار بشتابد تا فاجعه پیش نیاید. کمتر یک ماه که از بحران می گذرد سرمایه داری به روی تمام نظریه های چند صد سال گذشته ی خود تف کرده، همه ی آنچه را که به عنوان «قطعیت» معرفی می کرد پس گرفته و هر آنچه را که رد می کرد تایید می کند. آیا بحران فعلی سرمایه داری یک بحران دوری و معمولی است یا خصلت جدیدی در آن است. این نوشتار به طور مختصر فرضیه ای را معرفی می کند که بر اساس آن این بحران علاوه بر آن که تضادهای سنتی و ساختاری سرمایه داری را نمایندگی می کند، در عین حال دربرگیرنده یک ویژگی نو است که البته از تداوم همان سیر سنتی سرمایه داری برمی آید. اما گویی رشد کمی سرمایه داری یک تغییر کیفی در آن به وجود آورده

جهش در ذات سرمایه داری

ریشه ی بحران کنونی را می توان به طور کلی در خصلت ذاتی سرمایه داری جستجو کرد که بر اساس آن سودآوری باید در هر شرایطی ادامه یابد. موتور سرمایه داری است و بدون آن حرف زدن از این نظام بی . اما سود چگونه به دست می آید؟ به طور سنتی این طور پنداشته می شد که سود سرمایه داری از طریق استثمار توده ها کسب می شود. این درست است. سرمایه داری سنتی سود خود را با اختصاص کار دیگران به خود که استثمار نام دارد به دست می آورد. تا این جا سرمایه داران یا دیگران را به کار می گرفتند و از حاصل کار آنها سود به دست می آوردند و یا در چرخه ی آفرینش ثروت در جایی قرار می گرفتند که بتوانند از آنچه متعلق به توده هاست برای خود بهره ببرند. اما به نظر می رسد که این روش ها دیگر متناسب با رشد کمی و کیفی ساختارهای نوین سرمایه داری قرن بیست و یکم نباشد. به همین دلیل شیوه ی نوین . این روش دیگر

حق دیگران به خود که دزدی یا کلاهبرداری
مثال استثمار را می توان در کارخانه های ماشین سازی فورد یا رنو یا ایران خودرو جستجو کرد؛ جایی که میلیون ها کارگر تولید می کنند و پس از دریافت اندکی از حاصل کار خود به عنوان دستمزد باقی حاصل کارشان به « کار اضافی» به جیب سرمایه داران صاحب وسایل تولید می

در موقعیت خوب قرار گرفتن در چرخه ی ثروت را نیز می توان در سیطره ی طبقه ی حاکم بر بازارهای بورس و یا بر منابع طبیعی کشورها دید. وقتی طبقه ی حاکم در ایران با استفاده از ابزار دولت بیش از 40 50 میلیارد دلاری سالانه ی نفت را به خود یعنی به حدود 10 درصد از جامعه اختصاص می دهد ما شاهد مورد مشخص دزدی هستیم.

این دوروش استثمار و غارت که روش های سنتی و دیرینه ی سرمایه داری هستند برای بقا و رشد سرمایه داری نوین کافی نبوده اند. شرکت نفتی آمریکایی اکسون در سال 2007-2008 و با رشد قیمت نفت در هر ثانیه 1.485 دلار سود به جیب زده است. چنین سودی نمی تواند به طور عادی به دست آید و نمی تواند به طور عادی بازسرمایه گذاری شود.

سرمایه داری که بی اخلاق ترین و ضد انسانی ترین نظام اقتصادی تاریخ بشری است بر آن شده است که با اضافه کردن روش جدیدی به روش های سنتی سودآفرینی برای خود هم استثمار کند، هم در جایگاه مناسب چرخه ی و هم کلاهبرداری. فراموش نکنیم که این روش جدید، یا کلاهبرداری نوعی تلاش برای پس گرفتن آن چیزی است که در فرایند سنتی یا جایگاه خوب داشتن به سرمایه دار نرسیده است و از سر اجبار به مزدبگیر داده شده است.

سه مثال از روش جدید سودآفرینی، کلاهبرداری

دو دهه پیش سرمایه داری غربی، که به شدت تحت تاثیر ایدئولوژی طمع ورز یهودسالاری¹ قرار دارد، شیوه ی جدیدی را برای دزدی از جیب توده ها به وجود آورد. در این شیوه قشرهای بالای طبقه ی سرمایه دار

¹ این تفکر که در آموخته های زبور نیز یافت می شود بسیار ساده است: هیچ چیز بالاتر از سود نیست، هیچ چیز

سرمایه گذاری کلان، اما هدفمند در یک عرصه ی اقتصادی «سرمایه گذار» کوچک و متوسط را تشویق و تحریک می کند که برای به دست آوردن پول راحت پس اندازهای خود را که حاصل یک عمر کار و استثمار به عنوان سرمایه گذاری به بازار جدید وارد سازند. این بازار جدید در دهه ی نود اینترنت و شرکت های نوپای فن آوری مدرن² . و آخر دهه نود سرمایه گذاری های کلان سرمایه داری کلاهبردار که میلیون ها نفر در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی باور کنند یک بازار جدید برای به دست آوردن بی حساب اینترنت هر روز باد می شد و میلیون ها نفر پس اندازهای زندگی خود را شرکت های ریز و درشت که چیزی جز چند کامپیوتر و یک وبسایت نداشتند سرمایه گذاری کردند. وقتی سرمایه داران موفق شدند میلیاردها پول در دست مردم را این گونه از صندوق بانک ها و کنج خانه ها وارد بازار سازند وقت آن بود که این حساب بترکد. اتفاقی که در سال 2000-2001 انبوهی از مردم میلیاردها دلار از پس اندازهای خود را که معادل میلیون ها سال/کار بود از دست دادند. پول ها به جیب کسانی رفت که خود این جریان کاذب و فریبنده را به راه انداختند، به موقع نیز پول های خود را در لندن و نیویورک و تل آویو از چرخه ی بازار دروغین بیرون کشیدند و سپس جریان فروپاشی بازار کاذب را با ترکاندن حساب اینترنتی سازمان دهی کردند. همان ها که بعد از این جریان، با پول های به دست آمده روی ارزش های مطمئن بازار نوین تکنولوژیک مانند گوگل، مایکروسافت و یا ای بی و آی بی ام سرمایه گذاری کرده و سودهای کلانی به جیب زدند.

مورد دوم بهره بری از ماجرای به شدت مشکوک 11 . سرمایه داری کلاهبردار به زودی جنگ را نیز به حیطه ی سودزایی تبدیل کرد. سرمایه گذاری بخش خصوصی در عراق و افغانستان، میلیاردها دلار پول مردم آمریکا، عراق و افغانستان را از طریق قرار داد با دولت و ارتش آمریکا به جیب شرکت های فوق تولید ترس و مرگ و کسب سود. تعداد افرادی که از جانب این شرکت ها در حال حاضر در عراق حضور دارند نزدیک به دو برابر نیروهای ارتش آمریکا در این کشور است. از یکسو تیم های سازمان جاسوسی اسرائیل موباد اقدام به بمب گذاری و یا سازماندهی حملات انتحاری در این کشور می کرد و از سوی دیگر شرکت های تسلیحاتی، فن آوری و یا امنیتی اسرائیل برای مقابله با بمب گذاری ها قراردادهای سودآور با ارتش آمریکا امضاء می کردند. این جنگ برای مردم آمریکا هر روز 341.4 میلیون دلار هزینه داشته است و دارد. تا به حال سرمایه داری دزد موفق شده است برای این جنگ مبلغ 562 میلیارد دلار از جیب مردم آمریکا به شرکت های تسلیحاتی و امنیتی واریز کند.³

در مورد سوم هم زمان با جنگ افروزی جریان کلاهبردار سرمایه داری به عرصه ی جدیدی روی آورد. عرصه ی املاک و ساختمان. ریان سرمایه داری دزد این بار بر روی ساختمان سازی سرمایه گذاری کرد و بانک های در اختیار خود برای خرید این ساختمان ها (خانه، ویلا، برج، دفتر، ...) به مردم وام دادند. در آمریکای شمالی این وام ها چنان آسان به متقاضیان داده می شد که عده ای از دریافت کنندگان خود خرید و فروش ساختمان تبدیل شد به عرصه جدیدی که هر کس احساس می کرد می تواند از طریق آن به فاصله ی کوتاهی درآمد کلانی به جیب زند. بسیاری کار و فعالیت خود را رها کردند و با اخذ وام و وارد ساختن پس اندازهای ویش تبدیل به یک خانه باز و فروشنده ی حرفه ای شدند.

در این میان وفور ساختمان از یکسو و راحتی دریافت وام از سوی دیگر میلیون ها نفر را به فکر واداشت که صاحب خانه شوند. این بار نیز میلیاردها دلار از سرمایه های خود را که حاصل یک عمر کار و زحمت بود ار کردند و به عنوان پول پیش با آن وام دریافت کردند تا خانه بخرند.

این جریان حدود پنج سالی رواج پیدا کرد و اوج گرفت تا این که علائم کاذب بودن و محدودیت های آن از سال 2006-2007 نمایان شد. سرمایه داران دزد این بار نیز به موقع پول های خود را که در ساختمان سرمایه گذاری کرده بودند از بازار بیرون کشیدند تا اصل سرمایه ی خود را حفظ کنند. برای این کار آنها تعداد زیادی از ساختمان های در اختیار خود را پیش از شروع بحران به فروش گذاشتند. افزایش عرضه سبب شد که قیمت ها پایین بیاید. کاهش قیمت ها به تدریج خانه بازان کوچک نیز احساس نگرانی کرده و خانه های خود را با قیمت های زیر بازار ارائه دادند. همین امر سبب کاهش هر چه بیشتر قیمت ها شد. این عده که خرید خانه ها را با وام بانک ها انجام - به این امید که به زودی خانه ها را فروخته و پس از کسب سود پول بانک را برگردان - یافتن

² Nouvelles Technologies

³ برای مشاهده ی رقم هر ثانیه به روز شده ی هزینه ی جنگ آمریکا در عراق برای مردم آمریکا نگاه کنید به این وبسایت:

http://www.nationalpriorities.org/costofwar_home

مشتری برای خانه هایشان با مشکل مواجه شدند. این امر سبب شد که آنها نتوانند پول بانک را پرداخته و ورشکستگی کرده و بانک خانه ها را صاحب شد. با رکود بخش ساختمان که نزدیک به 800 شغل به آن وابسته است وضعیت عمومی اقتصاد رو به وخامت گذاشت و بسیاری از کسانی که با درآمد ناشی از حقوق قسط وام خانه ی خود را می پرداختند کار به دلیل نپرداختن اقساط خانه های خود را به بانک وام دهنده واگذار کردند.

پس از یاد نبریم: سرمایه داری کلاهبردار

1. خانه ساخت و آنها را به مردم فروخت و از این راه سود کلانی به جیب زد.
 2. دوم از طریق بانک های خود به مردم وام داد تا ساختمان های را به فروش برساند. از این راه نیز با دریافت بهره ی بانکی برای وام سود خوبی به جیب زد.
 3. بعد بحران آفرید و خانه های فروخته شده را از چنگ خریدارانی که نمی توانند قسط وام های خود را
 4. در حال حاضر آنها بابت پولی که بانک ها به ظاهر در این میان از دست دادند از دولت تقاضای کمک های میلیاردی کرد و دولت های سرمایه داری نیز به عنوان ابزار و خدمتگزار سرمایه داری پول های مردم را که در اختیار داشتند به صندوق بانک ها و موسسات مالی سرمایه داری کلاهبردار سرازیر کرده اند.
 5. بانک ها سر فرصت و در شرایط خوب باز هم این خانه های پس گرفته شده را برای فروش ارائه خواهند داد و بابت آنها پول بسیاری به جیب خواهند زد.
 6. برای همان خانه ها نیز این بانک ها بار دیگر وام داده و با بهره ی آن وام ها سود خوبی خواهند داشت.
- بدین ترتیب می بینیم در این چرخه برخلاف چرخه ی سنتی سرمایه داری کلاهبردار طریق به جیب زده است.

این شیوه ی جدید کسب سود، که البته بیشتر شکل و ابعاد آن جدید است تا ذات و محتوای آن، سرمایه داری را با این واقعیت مواجه ساخته است که باید عرصه ها و شیوه های تازه ای برای دزدی بیابد و در این میان وظیفه دارد که امنیت اجتماعی و اقتصادی او را حفظ کند. همدستی طبقه ی سرمایه دارو دولت سرمایه داری در این مثال ها آشکار است.

آینده چگونه است؟

بدیهی است در چنین شرایطی که دولت ها ارقام نجومی متعلق به توده های مردم و کشورهای فقیر را مانند راهزنان به صورت شتابزده به جیب سرمایه داران دزد و اریزمی کنند برای هر فردی ابعاد به مسخره کشیدن و مورد اهانت قرار هوش و شخصیت صدها میلیون انسان توسط مشتکی دزد و استثمارگر و سیاست باز آشکار می شود.

بدیهی است که چپ نهادینه ی اخته شده ی اروپایی در این میان نمی تواند کار زیادی صورت دهد، اما نیروهای مردم گرا در این عرصه فرصت خوبی برای روشنگری و آگاهی بخشی توده ها دارند تا به آنها نشان دهند چگونه از یکسو سرمایه داری استثمارگر یک عمر آنها را به کار می کشد و از نیروی کار آنها بهره می برد و از سوی دیگر سرمایه داری کلاهبردار و دزد حاصل دهها سال تلاش آنها را در یک عملیات راهزانه با ابعاد چند بیلیونی از چنگشان در می آورد. این با آن روش سنتی استثمارگری سرمایه داری متفاوت است و هیچ فرایند تولیدگری در آن نیست. به همین دلیل نیز از یکسو شکل بندی اجتماعی جامعه را به شدت متزلزل می سازد اما خود زاینده ی یک شکل بندی نوین نیست. این نوع از سرمایه داری غیرتولیدی اما سودزا می رود تا با متزلزل ختن ساختارهای اجتماعی ساختار اقتصادی سرمایه داری سنتی را نیز زیر سوال برد. به همین دلیل نیز جریانی است تنش زا و بحران آفرین که در بطن خود سرمایه داری نیز تضاد به وجود خواهد آورد. بی شک سرمایه داری تولیدی و سرمایه داری غیر تولیدی که اولی بر استثمار سوار است و دومی بر کلاهبرداری⁴ جاهایی نیز همدست هم می باشند اما در شرایط ویژه ای سرمایه داری تولیدی بخصوص بر اساس خط کشی های ملی و مرزی (چین و روسیه) برای حفظ موقعیت خویش باید از سرمایه داری غیر تولیدی دزد (آمریکایی-انگلیسی-اسرائیلی) که بیشتر به قمارباز شبیه است تا به یک و کارخانه دار فاصله بگیرد.⁵ این تضادهای

⁴ مایه داری به طور معمول با زانده های فراقانونی خویش مانند سیستم های مافیایی مخالفت می کرد، اما در شرایط کنونی خود به یک نوعی مافیایی گری روی آورده است و این در قالب سرمایه داری کلاهبردار نمایان می شود.

⁵ در حالی که چین و روسیه به مدارهای سنتی سرمایه داری پای می گذارند و بازارهای جهانی را به صورت وسیع اشغال می کنند سرمایه داری آمریکا و اروپا به دنبال روش های تازه ای می گردند که برتری آنها را نسبت به این دو قطب سرمایه داری نوپا حفظ کند.

درونی جبهه ی سرمایه داری فرصت خوبی را برای مخالفان سرمایه داری فراهم خواهد ساخت تا در مسیر تقویت یک جایگزین غیر سرمایه داری توده ها را آگاه و سازماندهی کنند. سیاهی که ترسیم می شود بهترین فرصت تاریخی برای نوزایش جریان های مردمی و توده گرا می باشد. اما این بار بر اساس یک تفکر « و نه یک ایدئولوژی حزب سالار یا طبقه محور.

در حالیکه روسای موسسات بزرگ مالی آمریکا در همان شب تصویب کمک 700 میلیارد دلاری کنگره ی آمریکا بزرگترین جشن و میهمانی شام را برگزار می کنند صدها هزار کارگر و کارمند قرار است در ماه های آینده در این کشور از کار بیکار شوند. در انگلستان پیش بینی می شود که نزدیک به 800 هزار نفر شغل خود را از دست دهند. در فرانسه تنها در بخش ساختمان بیش از 350 هزار نفر بیکار خواهند . میلیون ها نفر به زودی حق بازنشستگی و حقوق بیکاری خود را از دست خواهند داد.⁶

این کلاهبرداری سرمایه داری برای توده ها جز فقر و رنج و مرگ به همراه نخواهد داشت. باید دانست که اگر این بحران نیز به طور موقت رد شود، بحران بعدی به سرعت و با قدرت تخریب گری دو چندان فرا خواهد رسید. دولتمردان فرانسوی که نوکران سرمایه داری هستند از حالا اعلام داشته اند که اگر دولت مالکیت برخی موسسات مالی را در شرایط کنونی می پذیرد برای آن است که بعد از رفع بحران آنها را بار دیگر در اختیار بخش خصوصی بگذارد. یعنی باز زی از نو. در این میان از یک بحران تا بحران دیگر باز این سرمایه داران هستند که جان سالم به در برده و ثروتمندتر می شوند و این توده ها هستند که قربانی شده و فقیرتر می شوند.

به عنوان نتیجه گیری :

همگی می دانیم که نظام سرمایه داری به اقتضای ذات خود هم ضد منطق و خرد است، هم ضد طبیعت و محیط کره ی زمین است و هم ضد بشریت. بنابراین هیچ جنایت و راهزنی بزرگتری از او بعید نیست، نه تنها بعید نیست بلکه کلاهبرداری مالی برای سودزایی به تدریج به روشی نهادینه تبدیل می شود، راهزنی سرمایه داری با شدت هرچه تمام ادامه یافته و دیر نخواهد بود که سرمایه داران حراج زمین های کرات دیگر را آغاز خواهند کرد و نیز پیش فروش خانه های پیش ساخته ی مستقر در مدار مریخ را.

فراموش نکنیم که سرمایه دار خود نیز یک انسان مسخ شده و به گفته ی مارکس از خودبیگانه است، او دیوانه ی پول است و برای آن هم نوع خود و کره ای را که در آن زیست می کند نابود خواهد ساخت. تفکر یهودسالار حاکم بر سرمایه داری از بینش این مذهب الهام می گیرد که براساس آن دنیای دیگری وجود ندارد و بهشت و جهنم در همین دنیاست. کسی که چنین نگرشی دارد آیا دلیلی دارد که بخواهد به هیچ ارزش اخلاقی پایبند باشد و به واسطه ی آن خود را از داشتن ثروت و رفاه و لذت بیشتر محروم سازد؟

نگارنده بر این باور است که هر یک از ما با انفعال خویش در مقابل سرمایه داری وحشی به نوعی همدست آنها در نابودسازی انسان، انسانیت و کره ی زمین هستیم. این نه وظیفه سیاسی، یا تشکیلاتی یا ایدئولوژیک ماست که با این نظام درافتیم، این وظیفه اخلاقی ما به عنوان انسان است که برابر این روند رو به رشد تخریب گری بیاستیم و برای رسیدن به جهانی مبارزه کنیم که در آن رعایت حفظ حرمت انسان ها از طریق دو ابزار نهادینه تضمین : برابری و آزادی.

چنین جهانی میسر و در دسترس است، سد اصلی رسیدن به آن این است که به آن باور نداریم. مانع بیرونی عمده ای در مقابل ما نیست که ما را از رسیدن به چنین جامعه ای محروم سازد، مانع اصلی درون ماست، در ناباوری ماست، در ترس و بی اعتمادی است، بقای نظام سرمایه داری از قوت او نیست از ضعف ماست.

امروز همه ی باورمندان به تغییر و دگرگونی می توانند در حول محور یک اندیشه ی انسان محور گردآیند و برای دفاع از اصالت بشر به عنوان موجود لایق آزادی و برابری به کنش پردازند.

بدیهی است که بدون کار جمعی و سازماندهی هیچ اقدامی میسر نیست . اما هیچ کس برای این سازماندهی و حرکت جمعی پیشگام نخواهد شد .

* *

www.koroshfani.com

⁶ http://www.humanite.fr/2008-10-10_Politique_Le-bal